

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

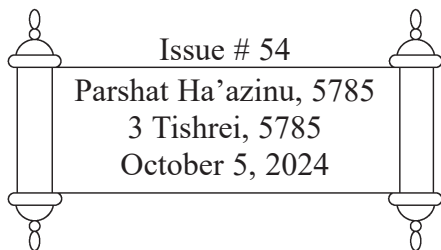
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Wednesday, October 2, Light Rosh HaShanah Candles, by 6:17 p.m.
Thursday, Oct. 3, Light Rosh HaShanah candles, after nightfall, after 7:19 p.m.
Friday, Oct. 4, Light Shabbat Candles, by 6:14 p.m.
Saturday, Oct. 5, Shabbat ends at 7:16 p.m.
(Times are for Los Angeles)

JEWISH CHILDREN:
Get your own letter
in a Sefer Torah!
<http://www.kidstorah.org>

Mitzvahland
America's Largest Sukkah Supplier!

Adjustable Sukkah

16733 Ventura Blvd, Encino CA 91436
Mitzvahland.com * 818-705-7700
* Large Selection of Lulav & Etrog *

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:
CPY & Moshiach Awareness Center,
a Project of:
Chabad Persian Youth Enlightenment For The Blind, Inc.
9022 W Pico Boulevard. 602 North Orange Drive.
Los Angeles, CA 90035 Los Angeles, CA 90036
Tel.: (310) 777-0358 Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
Fax: (310) 777-0357 http://www.torah4blind.org
http://www.cpycenter.org e-mail: yys@torah4blind.org
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net
Rabbi Hertzal Peer, Executive Director Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director
Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At **Your** Location"

הָאֲזִינוּ

פּאָראַשאַי הָאֲזִינוּ בַּאֲיִן קְלֵמַת מְשֶׁה רִבְנוּ שׁוּרֹעַ מִשְׁכּוּד. "אֵי אֲסַמְנָהּ גּוֹשׁ כִּנִּיד ... וְאֵי זָמִין בִּשְׁנוּ..." מִדְרַאשׁ בַּאֲתוּגָה בֶּה אֲסַתְפָּאדֶה אַז קְלֵמַת בַּלָּא מִי גּוֹיֵד כִּי אֵינְטוֹר בִּנְטֵר מִי אֵיֵד כִּי מְשֶׁה בַּאֲ חַלָּת בִּסְפָּאֵר חּוֹדְמַנִּי וְנִרְדִּיק בַּאֲ אֲסַמָּן שְׁחִבַּת מִי כִּנֵּד. דֵּר חַלִּיקֶה אַז נֹעַ קְלֵמֶה אֵי כִּי בִּרְאֵי זָמִין בִּקָּר בֶּרֶדֶה אֲסַת בִּנְטֵר מִי אֵיֵד כִּי אֲוֹ אַז זָמִין בִּסְפָּאֵר דוֹר אֲסַת. דֵּר יִשְׁעִיָּא תִּרְבִּיָּא עֲכִס אֵיֵן קְלֵמַת בִּקָּר רִפְתֶּה אֲסַת. "אֵי אֲסַמְנָהּ בִּשְׁנוֹיֵד וְאֵי זָמִין גּוֹשׁ כִּן." דֵּר אֵינְגָא נֹעַ קְלֵמַתִּי כִּי אֲסַתְפָּאדֶה שְׁדֶה נִשְׁאֵן דֶּהֲנֶדֶה נִרְדִּיקִי יִשְׁעִיָּא בֶּה זָמִין וְדוֹר בּוֹדְנִשׁ אַז אֲסַמָּן מִי בַּאֲשֵׁד. יֵקִי פֶּרֶד יִהוּדִי כִּדְמִיֵּן טְרִיק רַא בַּאֲיֵד אֲנִתְחַבֵּת כִּנֵּד. אֵיָּא אֲוִ מִי בַּאֲיִסַּת בִּדְנִבַּל רּוּחַנִּיַּת בּוֹדֶה וְאֵז מַסְאֵלִי זָמִינִי דוֹרִי כִּנֵּד? וְיָא אֲוִ מִי בַּאֲיִסַּת הֶמְכּוֹן יִשְׁעִיָּא חַאנֶּה רּוּחַנִּי חּוֹד רַא דֵּר מַסְאֵלִי זָמִינִי בִּיָּאֵד? אֵיֵן פּאָראַשָׁא דַּאֲרַאי כְּגּוֹנֶה אֲהִמִּיַּתִּי אֲסַת כִּי דֵּר דֶּה רּוֹז תִּשׁוּוֹא וְרּוֹזֵהַי בַּעַד אַז קִיבּוֹר חּוֹאנֶדֶה מִשְׁכּוּד? רּוֹזֵהַיִי כִּי בַּלָּא תִּרְיֵן לְחַצְתַּת דֵּר חּוֹד אֲזַמַּיִי רּוּחַנִּי זָנְדִּיקִי מַהֲסַתְנֵד.

א- נְרִדִּיקִי וְדוֹרִי

דֵּר מִדְרַאשׁ¹ אֲמֵדֶה אֲסַת כִּי מְשֶׁה רִבְנוּ בֶּה אֲסַמָּן נִרְדִּיק וְאֵז זָמִין דוֹר בּוֹד בֶּה הֶמֶיֵן עֲלַת אֲסַת כִּי אֲוִ מִי גּוֹיֵד "אֵי אֲסַמְנָהּ גּוֹשׁ כִּנִּיד תַּאֲסַחֵן בִּגּוֹיֵם וְאֵי זָמִין קְלָאֵם דֶּהָאֵן מִרַא בִּשְׁנוּ" קְלֵמֶה גּוֹשׁ כִּרְדֵּן חַלָּת נִרְדִּיקִי וְקְלֵמֶה שְׁנִידֵן חַלָּת דוֹר בּוֹדֵן רַא מִירְסַאנֵד.

בֶּה טְרִיק מַשַּׁבֶּה דֵּר מִדְרַאשׁ אֲמֵדֶה אֲסַת כִּי יִשְׁעִיָּא אַז אֲסַמָּן דוֹר וּבֶה זָמִין נִרְדִּיק בּוֹד בִּרְאֵי אֵיֵן כִּי אֲסַתְפָּאדֶה אֲוִ עֲכִס קְלֵמַת בַּלָּא אֲסַתְפָּאדֶה מִי כִּנֵּד "אֵי אֲסַמְנָהּ בִּשְׁנוֹיֵד וְאֵי זָמִין גּוֹשׁ כִּן" ² וְאֵיֵן אֲחִלָּפֵן דֵּר אֲסַתְפָּאדֶה אַז קְלֵמַת תִּעֲבֵב אֲוֹר אֲסַת. תּוֹרָה בֶּה מַעֲנַי "אֲמוֹרֶשׁ" אֲסַת וְתַמַּמִּי קְלֵמַת אֵן בִּרְאֵי הֶר פֶּרֶד יִהוּדִי אֲמוֹרֶנְדֶּה מִי בַּאֲשֵׁד. ³ זָמַנִּי כִּי מְשֶׁה רִבְנוּ מִי גּוֹיֵד "אֵי אֲסַמְנָהּ גּוֹשׁ כִּנִּיד... וְאֵי זָמִין בִּשְׁנוּ". בֶּה טּוֹר זָמִנִּי בֶּה מַאֲ אֵיֵן מוֹצוּעַ (בִּיָּאֵם) רַא אֲמוֹרֶשׁ מִי דֶּהֲדֵד כִּי הֶר פֶּרֶד יִהוּדִי מִי בַּאֲיִסַּת קּוֹשֶׁשׁ כִּנֵּד כִּי חּוֹדְשׁ רַא בֶּה אֲסַמָּן נִרְדִּיק כִּרְדֶּה וְאֵז מַחְדוּדִיַּת הַאֵי זָמִינִי דוֹר כִּנֵּד. כִּנְאֵנְכֶה יִשְׁעִיָּא כִּי יֵקִי אַז בִּרְגִּרְתֵּיֵן בִּיָּאֵמִירָאֵן מַאֲסַת תּוֹאֲנִסְתֶּה ⁴ אֲסַת בֶּה אֵיֵן מַרְחֶלֶה בִּרְסַד כְּגּוֹנֶה אֲסַת כִּי תּוֹרָה אַז מַאֲ אֵיֵן אֲנִתְצָרָה רַא דַּאֲרֵד? וְאִגֵּר נִרְדִּיקִי בֶּה אֲסַמָּן

¹-סִיפְרֵי אֲבִתְדַאי הָאֲזִינוּ - זוֹהַר הָאֲזִינוּ 286 ב ²- יִשְׁעִיָּא 102 ³- זוֹהַר בִּחְשׁ סוּם 53 ב

⁴- יִלְקוֹת יִשְׁעִיָּא רֵמֶז 385



E-L Office Machines
LA's Easy Office Solution



In Business Since 1990

SALE • SERVICE • REPAIR
RENT • LEASE

<ul style="list-style-type: none">• COPIERS• LASER PRINTERS• FAX• TYPEWRITERS	<p>ISAAC 310-557-0702 FREE PICK-UP & DELIVERY</p>
--	---

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035
www.ezofficemachines.com

Aish Tamid
Parshat Ha'azinu, 5785

در واقع در دسترس همه بیسرائل‌ها می‌باشد ۵ پس چگونه است که یسعیا به چنین مرحله‌ای نمی‌رسد؟

این موضوع ما را بیشتر به تعجب و امیدارد چرا که - آنگونه که میدراش^۶ می‌گوید - کلمات یسعیا ادامه کلمات مُشه بوده و او این کلمات را در حالی عنوان کرده است که تحت تاثیر مستقیم مُشه قرار داشته است. پس بنابراین برای یسعیا رسیدن به مقام مشه بسیار ساده تر و قابل دسترس تر بوده است تا برای ما.

به این ترتیب ما اجباراً به این نتیجه می‌رسیم که یسعیا نسبت به مُشه در درجه پائین تر معنوی نبوده بلکه حتی در درجات بالاتری از معنویت نسبت به او (در زمانی که این مطلب را عنوان کرده است) قرار داشته است. در این حالت یسعیا از آن نقطه‌ای که مُشه کلامش را تمام می‌کند آنرا شروع کرده و ادامه می‌دهد. با وجود رسیدن به درجات بالای روحانی همچون مُشه یعنی نزدیکی به آسمان، یسعیا پیامبر هنوز این قدرت را داشت که به مقامات بالاتر روحانی برسد یعنی "نزدیک به زمین". و از آنجا که کلمات یسعیا نیز قسمتی از تورا است این کلمات نیز پیام عمومی و کلی برای هر فرد یهودی به همراه دارند.

ما همچنین این مطلب را^۷ باید درک کنیم که از آنجا که هر پاراشایی از تورا با زمانی که آن پاراشا خوانده می‌شود در رابطه است. این کلمات تورا و ادامه آنها در یسعیا با زمان مابین روش هسانا و سوکوت که این پاراشا در آن زمان خوانده میشود ارتباط مخصوص دارد.

۲- روزهای گریه

ربی ییسیحاق لوریا - آری^۸ می‌گوید هر آنکس که در این ده روز تشوا اشک نریزد و گریه نکند روح او به درجه کمال نرسیده است و معنای ساده^۹ این مطلب این است که در مدت این ده روز خداوند به هر فرد یهودی بسیار نزدیک است. همچون "منبع نور به جرقه و ذره ای از نور"^{۱۰}.

چنانچه حتی در چنین روزهایی اشکهای "تشوا" از چشمان یک فرد یهودی جاری نشود این نشان دهنده آن است که روح چنین شخصی دارای نقص و کمبود است و هیچ چیز نمی‌تواند او را بیدار کند تا به منبع اصلی اش برگردد یک چنین شخصی از هدف اصلی زندگی خود بسیار دور افتاده است.

۵-تنبیخ اول فصل ۴۲ ۶-سیفیری، یلقوت، هازینور مز ۹۴۲ ۷-رجوع شود به شالوه آغاز ویشو، اورهتورا آغاز نیصلویم

۸- پیری ائص خنیم شعر هشوفار فصل ۵ ۹- روش هسانا ۱۸ الف - رمبام هیلخوت تشوا و عو ۲

۱۰- درخ خنیم ۱۳، ۲۱، ۲۱، ۹۱ الف

To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095

اما این فقط مرحله شروع است . او می بایست به مرحله ایی برسد که درک کند "اصل اساسی عمل است و نه مطالعه تنها" ^{۲۹} چرا که وظیفه واقعی انسان تغییر دادن جهان برای ساختن محل سکونت برای خداوند است .

برای رسیدن به مرحله دوم وجود نبوت یسعیا لازم می باشد. تورا بوسیله مُشه دریافت شد ولی یسعیا نبوت در مورد آینده و نجات ^{۳۰} یسیرا ئل ها را از خداوند دریافت کرد. در آن زمان جهان محل سکونت برای خداوند میشود و همه موجودات خواهند دانست که این تو هستی که آنها را بوجود آورده ای . و ^{۳۱} جهان از منبع بی نهایت انرژی الهی پر خواهد شد.

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد نهم صفحه ۲۰۴ الی ۲۱۴) . (Source: Likkutei Sichot, Vol. 9, pp. 204-214)

آری با عنوان این مطلب که "هر کسی که اشک نریزد" اشاره می کند که این موضوع برای همه حتی برای افراد صدیق کامل هم صادق است . اما گناه و خطاست که باعث گریه انسان در موقع تشووا می شود و شخص صدیق کامل هرگز گناه و خطا نمی کند. چطور ما انتظار داریم که او تشووا کند تا آنجا که اگر گریه هم نکند میگوئیم روح او کامل نیست و روحانیت او به درجه کمال نرسیده است؟

عقیده آری را ما بهتر می توانیم در مورد شخص "بینونی" درک کنیم . شخص "بینونی" کسی است که هنوز علاقه به گناه را از خود دور نکرده است اگر چه این علاقه همواره در او به حالت سرکوب نگاه داشته شده است ^{۱۱} برای چنین شخصی همواره امکان گناه وجود دارد. از یک چنین شخصی می توان انتظار گریه در یک چنین روزهایی را داشت .

اما برای شخص صدیق کامل که دیگر طبیعتا خواهان گناه نیست بنظر نمی آید که دلیلی برای گریه کردن و نیازی برای ریختن اشک وجود داشته باشد.

ولی تواضع و فروتنی ممکن است که او را وادار به گریه بکند حتی ربی یوحانان بن زکای هم گریه میکرد و می گفت "زمانی که در جلوی من دو راه وجود دارد یکی بطرف بهشت و یکی بطرف جهنم و من نمیدانم که به کدام راه مرا می برند آیا من نمی بایست گریه کنم؟" ^{۱۲} اما چرا آری نمی گوید که آنها می توانند "بعضی اوقات" گریه کنند بلکه گفته است که "آنها باید گریه بکنند؟" آیا شخص صدیق می بایست خودش را خطاکار و گناهکار تصور نموده و به این خاطر گریه کند؟

۳- اشک شادی و اشک غم

^{۱۳} آثر ربه توضیح میدهد که آن اشک هایی که آری از آن سخن می گوید اشک های تلخ ناامیدی و غم نبوده بلکه اشک های شادی است همچون اشک های ربی عقیوا . زمانی که او وارد دنیای اسرار الهی میشد ^{۱۴} اشک هایی میریخت که تماما اشک های شادی مطلق بود . اما صدیقیم صرفا به این خاطر که اشک شادی بریزند گریه نمی کنند . ممکن است بگوئیم که آری به دو نوع گریه متضاد با استفاده از یک کلمه اشاره می کند. اشک شادی افراد صدیق و اشک تلخ افراد معمولی که اولی بیان کننده احساس نزدیکی به خداوند و دومی بیان کننده احساس دوری از خداوند می باشد.

۴- برگشت روح

توضیح این است که تشووا تنها صرفاً به معنای توبه نمی باشد، چیزی که فقط زمانی که گناهی انجام شده باشد اتفاق می افتد بلکه معنای تشووا برگشت روح بسوی خداوند^{۱۵} است. "روح بسوی خداوندی که آنرا داده است برمیگردد".^{۱۶}

حتی فرد صدیق که خداوند را با عشق و ترس عبادت می کند تمامی وجودش هنوز به آن مرحله نزدیکی به خداوند که روح قبل تولد تجربه کرده است نرسیده است.^{۱۷} جسم مادی مابین خداوند و روح انسانی فاصله ای را ایجاد می کند که حتی فرد صدیق نیز نمی تواند پلی بر روی این فاصله ایجاد کند و این جدایی عامل غم و غصه و علت گریه و اشک اوست. او حتی در زمانی که در بالاترین درجات روحانی است این فاصله روح از منبع آسمانی خود را احساس می کند اشک های او همچون اشک های آن فرد یهودی با ایمان ساده است که از این فاصله و دوری خود از خداوند آگاه شده است.

۵- اشک های بی خود شدن

اما حتی این جواب نیز کافی نیست چرا که در این حالت شخص صدیق بر آن چیزی گریه می کند که جبریت است. و این حقیقتی است که زندگی در غالب جسم فاصله ای مابین خداوند و روح ایجاد می کند که نمی توان آنرا تغییر داد. انسان نمی بایست خودش را بخاطر آنچه که نمی تواند عوض کند و از قدرت و توانایی او خارج است سرزنش کند.

چنانچه شخص صدیق توجه و اندیشه اش متوجه ارضاء روحانی شخص خودش بود، از آنجا که تولد یک ضرر و خسارتی برای روح بشمار می آید. این ضرر و خسارت ممکن بود (بدون آنکه او خود را مقصر بداند) او را به گریه بیاندازد. اما افراد صدیق به خودشان فکر نمی کنند. آنها به آن خواسته خداوند می اندیشند^{۱۸} که روح آنها می بایست در محدودیت های کوچک این دنیا بسر ببرد. پس چگونه است که آری انتظار دارد که آنها نیز می بایست گریه کنند؟

شاید جواب آن باشد که افراد صدیق بخاطر آنکه آنها هنوز ماموریتشان را انجام نداده اند می بایست گریه کنند چرا که هدف از نزول روح آن است که وسیله ای برای آنکه انسان به مراحل بالای روحانی برسد باشد، به حالتی که در آن انسان بطور کامل خودش را نفی می کند و این

۱۵-لیکوتی تورا آغاز هازینو ۱۶- قوهلت ۱۲و۷ ۱۷-تینیا بخش اول فصل ۳۷ ۱۸-تینیا بخش اول فصل ۱۰

۸- محدودیت های جهان و گستردگی آن

ارتباط ما بین پاراشای هازینو که در آن مُشه و ישعیا بیسرائل ها را مورد خطاب قرار میدهند و ده روز تشووا و چهار روز بعد از کیبور^{۲۴} اینک معلوم میشود.

زندگی مذهبی ما در طول سال همواره با مطالبی که مربوط به جهان ماست همچون انجام اعمال میصوت و مطالعه تورا توأم است. حتی دعاها و تفیلاهای مانیز بستگی به شخصیت انسانی، عقل و درک و رفتار انسانی ما دارد.

اما در طول این ده روز "روح بسوی خداوندی که آنرا داده است برگشت می کند." هر فرد یهودی می بایست از محدودیت هایی که جهان بر او تحمیل کرده است آگاه شده و برای رهایی از آنها گریه کرده و اشک بریزد. او می بایست خداوند را صدا بزند و او را بخواهد و تمنا کند که با خداوند یکی بشود.

"انسان آنجایی است که خواسته های او آنجا هستند".^{۲۵} و بوسیله این عمل گریه کردن او خودش را از دست این محدودیت ها رها کرده و به روحانیت نزدیک و از زمین و مادیت دور می کند. خواسته عمیق او نزدیکی به خداوند است و این جایی است که او آنجاست. نزد خداوند. و خداوند "مرا با گستردگی جواب میدهد". که معنای این جواب آن است که خداوند در این جهان حضور می یابد. و این جهان ذات حقیقی خداوند را آشکار کرده بی نهایت وارد دنیای زندگی انسانی می شود و در این زمان است که او خداوند را نزدیک به "زمین و دور از آسمان" می یابد.

۹- یسعیا پیامبر

و این حقیقتی است که تمامی زندگی یک فرد یهودی را در بر می گیرد.

"آسمان" اشاره به تورا و کلام خداوند است. "زمین" اشاره به فرامین خداوند و اعمال انسان^{۲۶} است. از طریق مطالعه تورا فرد یهودی به خداوند نزدیک^{۲۷} میشود و از طریق انجام فرامین، او، خداوند را بسوی خود و جهان نزدیک می کند^{۲۸}.

در شروع او می بایست به خداوند نزدیک بشود، قلب و فکر او همواره خواهان و در حال مطالعه تورا باشد و توأم با آن او فرامین و میصوت را هم انجام بدهد.

۲۴-رجوع شود به مقدمه ربای لوبایویج به کورتورس ۹۷ در سفر هَمَعَارِم ۵۷.۹ ۲۵-رجوع شود به لیکوتی سیخوت جلد ششم ص ۲۴ زیر نویس ۲۹ ۲۶-تورا آور آغاز برشیت و لیکوتی تورا هازینو ۷۴ ب ۲۷-تینیا قسمت اول فصل ۲۳ و فصل ۵ ۲۸-تینیا بخش اول فصل ۳۷

این طریق ثابت می کند که هیچگونه محدودیتی حتی محدودیت های قالب و جسم انسانی نیز نمی تواند مانع از وحدت روحانی انسان با خداوند بشود. و یک چنین اتحادی اصولاً محدودیت پذیر نمی باشد. چرا که او به مرحله اتحاد و یکی شدن با خداوند بدون نفی جهان رسیده است. "از میان تنگناها، (محدودیت ها) خداوند را صدا کردم و از میان این جسم، این دنیای محدود، خداوند با گستردگی به من جواب داد".

۷- شوفار

شوفار زدن در روز روش هشانا نیز به همین معناست. از طریق شوفار (که شکل آن از یک طرف کوچک و محدود و از طرف دیگر بزرگ و گسترده است)، پادشاهی خداوند را اعلام می کنیم. و آنگونه که در تلمود آمده است^{۲۲} خداوند می گوید "در روز روش هشانا وصف پادشاهی مرا بگوئید. پادشاهی مرا یادآوری کنید و شوفار بزنید تا آنجا که مرا بر خودتان پادشاه اعلام کنید به چه وسیله این پادشاهی اعلام شده و خداوند برانگیخته می شود که پادشاه ما باشد؟ به وسیله نواختن شوفار

درک این مطلب کمی مشکل است بطور طبیعی ابتدا ما می بایست خداوند را به عنوان پادشاه اعلام کنیم و سپس فرمان های او را اطاعت کنیم.^{۲۳} چگونه ما می توانیم از طریق انجام یکی از فرامین او - نواختن شوفار - خداوند را برانگیزانیم که پادشاه ما بشود؟ در حالیکه انجام و اطاعت از خود این فرمان نشان دهنده این مطلب است که او از قبل پادشاه ما بوده است؟ توضیح در تفیلائی است که قبل از نواختن شوفار می خوانیم "از میان تنگناها خداوند را صدا کردم" عامل این تنگناها صرفاً گناهان ما نیستند. بلکه این خود وجود ما است که عامل این تنگناهاست. تا زمانی که ما احساس می کنیم که از خداوند جدا هستیم و تا زمانی که این مطلب حقیقت دارد ما هنوز خداوند را به عنوان پادشاه بر خود قبول نکرده ایم.

اما زمانی که ما در چهار چوب این تنگناها می ایستیم و با این حال "خداوند را صدا می کنیم" ما به مرحله درک ذات الهی و روحانیت رسیده ایم و بزرگی و گستردگی خداوند را به درون زندگی انسانی کشانده ایم. و این معنای برقراری حکومت خداوند است. او پادشاه است در درون و در میان جهان و نه در خارج و ورای آن.

مأموریت زمانی انجام می شود که روح هیچ بودن خودش را درک کرده و حضور فراگیر خداوند را احساس کند. و از آنجا که شخص صدیق ممکن است فکر کند^{۱۹} که هنوز سفر او در جهت و مسیر این هدف نمی باشد. بنابراین سزاوار است که گریه کرده و اشک بریزد. با این حال اگر حتی بزرگترین مردان روحانی نیز قادر به رسیدن به این مرحله نیستند پس ما چگونه می توانیم بگوئیم که آنها می بایست به این مرحله برسند؟ ما نباید خواهان غیر ممکن باشیم.

حقیقت این است که روح شخص یهودی قسمتی از خداوند است. او می تواند به ورای امکانات روحانی جهان برسد. او گریه می کند و اشک میریزد بخاطر آنکه این گریه و اشک وسیله ایست برای غلبه بر محدودیت های انسانی خودش. "از میان تنگناها خداوند را صدا کردم. خداوند با گستردگی به من پاسخ داد".^{۲۰} این احساس هنوز "در تنگنا بودن" پس از رسیدن به تمامی آن درجات روحانی، آنچنان گستردگی روحانی را برای انسان فراهم می آورد که حاصل آن از بین رفتن خودآگاهی انسانی و حل شدن و یکی شدن با الوهیت می باشد.

۶- یکی شدن با خداوند در درون جهان

و این اهمیت تشووا در این ده روز است. و اگرچه تشووا همیشه مهم است ولی این ده روز زمانی ایست که خداوند در نزدیکترین فاصله خود به انسان قرار دارد. برای آنکه این روزها نه تنها به تشووا انسان طعم روحانی دیگری میدهد بلکه باعث میشود که این حالت تشووا به مراحل بالاتری نیز برسد. تشووا در این زمان صرفاً توبه کردن از گناه نیست بلکه حالت برگشت روح بسوی خداوند و حالت پایان یافتن بیگانگی روحانی ایست. رسیدن به این حالت به انسان این امکان را میدهد که دیگر محدودیت های انسانی خود را جبری و چاره ناپذیر نینگارد. این محدودیت ها می تواند ارتقا یا بدو انسان را دارای قدرت و آزادی روحانی بیشتری کند. و بخاطر رسیدن به این حالت است که سزاوار است که هر فرد یهودی در این روزها گریه کند و اشک بریزد.

زمانی که انسان به این حالت، خود ارتقایی و روحانیت میرسد او یک شکاف و معبری در درون وجود خود ایجاد کرده است. ایجاد این محل عبور تنها زمانی ممکن است که روح در غالب جسم خاکی قرار دارد. انسان در این حالت با بی نهایت در حالیکه در درون نهایت است یکی شده و به